

**خلع سلاح حزب الله  
میتواند موجب بروز جنگ داخلی در لبنان گردد**

گفتگوي روزنامه آلماني فرايتاگ با محسن مسرت، 1 سپتامبر 2006:

**نیروهاي سازمان ملل نيايست جنگي را که اسرائيل آغاز نمود به انجام رسانند!**

بفارسي از حميد بهشتي

**فرايتاگ - از زمان ايجاد آتش بس در اوضاع استراتژیک لبنان چه تغييراتي ايجاد شده است؟**

محسن مسرت - تصميم دولت لبنان مبني بر اينکه ارتش را به سرعت در جنوب کشور مستقر نمايد، براي اسرئيلي ها انتخاب ديگري بجز اينکه تا حد زيادي از آنجا عقب نشيني کنند، باقي نگذاشت. زيرا همواره درخواست آنها از لبناني ها همين استقرار قوا در جنوب بوده است.

**- قدرت ارتش لبنان به چه ميزان است؟**

- 60.000 سرباز با تجهيزات نسبتاً قديمي که باقيمانده سلاحهاي ارتش روسيه و سوريه بوده و بخشي از آن نيز تجهيزات فرانسوي است.

**- با توجه بدین گونه حضور ارتش لبنان، آیا این به معنی عدم خلع سلاح حزب الله نخواهد بود؟**

- به نظر من استقرار سريع نیروهاي لبناني که بدون کوچکترین درگيري نيز صورت گرفت بدین معنا است که نه تنها حزب الله اينکار را تحمل کرده است، بلکه با تمام نيزو نيز از آن حمايت نموده است. و حال که ارتش لبنان جنوب کشور را تحت کنترل خويش درآورده و حزب الله عقب نشيني نموده است از اين راه مسئله خلع سلاح حزب الله فعلاً منتفي ميشود. همکاري ميان حزب الله، ارتش و دولت لبنان مهمترين گام در راه ايجاد حاکميت ملي لبنان مي باشد، بدون اينکه خطر جنگ داخلی را به همراه داشته باشد.

**- به چه دليل؟**

- زيرا خلع سلاح حزب الله بوسيه هر نيروئي نيز که انجام شود، خطر درگيري نظامي را به همراه دارد. اين را بايد کساني که اينگونه برنامه ها را در غرب مطرح مي کنند، به ويژه در آلمان و در رهبري حزب سوسيال دموکرات، در نظر داشته باشند.

**- آیا همين خطر جنگ داخلی، از جمله دلایلی نیست که موجب شده، تشکیل نیروهاي سازمان ملل براي استقرار در لبنان مشکل تر از آنچه به تصور ميرفت، صورت گیرد؟**

- درست به دليل اينکه بوش و اولمرت وظيفه نیروهاي سازمان ملل را که متشکل از قواي کشورهای غربي باشد با خلع سلاح حزب اله مربوط کرده اند - و اينکار نه تنها موجب خونريزي خواهد شد، بلکه با متن قطعنامه 1701 سازمان ملل نيز مغاير است - بسياري از دول اروپائي متوجه اين مشکل شدند که ممکن است اين دستجات نظامي

تحت نام سازمان ملل به آن کاری مجبور شوند که اسرائیلی ها توسط جنگ بدان توفیق نیافتند.

**- به نظر می رسد که دولت آلمان در این مورد کمتر شک داشته باشد.**

- و متأسفانه این استثنای اندوهباری است. دولت آلمان دائماً از خلع سلاح حزب الله و لزوم یک نمایندگی با حق استفاده از زور برای نیروهای سازمان ملل در لبنان سخن میراند، علی رغم اینکه قطعنامه سازمان ملل به روشنی خلع سلاح حزب الله را مطرح نکرده است که البته این بدون دلیل هم نیست و علی رغم اینکه دولت لبنان نیز با هوشیاری کامل از مطرح نمودن اقداماتی که علیه حزب اله باشد، خودداری نموده است. دولت آلمان متأسفانه در این مورد نیز همانند زمان لزوم برقراری فوری آتش پس که با آن مخالفت نمود، خود را تا به سطح عامل اجرایی سیاست بوش و اولمرت تنزل داده است. در تحلیل نهایی این اقدام دولت آلمان هیچ نتیجه دیگری نخواهد داشت، بجز ایجاد تفرقه در لبنان. پیشنهاد آلمان که توسط نیروی دریایی این کشور از رسیدن تسلیحات نظامی به حزب الله جلوگیری بعمل آید، بخشی از طرح مشترک اسرائیل و آمریکا است که برای حفظ برتری نظامی اسرائیل بوده، همان کاریست که توسط صدور جنگ افزار از جانب آلمان که اخیراً با فروش دو زیردریایی قابل تجهیز به تسلیحات اتمی صورت گرفت، انجام شده و موجب پشتیبانی اسرائیل از عملیات نظامی آتی این کشور خواهد بود.

**- آیا برای تعیین تکلیف قوای ارسالی سازمان ملل در لبنان احتیاج به قطعنامه دیگریست؟**

- نه لزومی نیست، زیرا تنها هدف قطعنامه جدید، بیان صریح خلع سلاح حزب الله خواهد بود و بکار بردن زور را در این راه مشروع می نماید. من تصور نمی کنم که دولت لبنان با آگاهی دقیقی که از نتیجه تصریح قطعنامه و قدرتمندی فرستادگان نظامی سازمان ملل دارد، با آن توافق نماید. به نظر من بهترین گزینه برای لبنان اینست که حزب الله به ارتش لبنان پیوسته و بصورت جزئی از آن درآید و بدین ترتیب راهی باز گردد که حزب الله تبدیل به حزبی سیاسی و مبتنی بر موازین عادی شود. این روند از جانب خود حزب الله نیز مکرراً عنوان شده است. البته شرط اولیه آن اینست که نیروی نظامی از جانب سازمان ملل، لبنان را از حملات آتی اسرائیل بر حذر دارد، تا که این روند امکان تحقق واقعی بیابد. و برای این امر نیز دیگر نیازی به قطعنامه جدیدی نیست. لازمه تفاهم و صلح آمیز بودن قوای سازمان ملل اینست که به هنگام بروز درگیری، بیطرفی را حفظ نماید. و این بدان معنی است که دول اروپایی می بایست کوشش خویش را صرف این کنند که قوای مستقر سازمان ملل در جنوب لبنان بطور یکجانبه از توقعات اسرائیلی- آمریکائی تبعیت ننمایند.

**- آیا در صورتیکه حزب الله بازوی نظامی خود را رها نماید، این موجب تغییر روابط میان اسرائیل و ایران نخواهد گشت؟**

- اگر موشک های برد متوسط لبنان متلاشی شده بودند، شما حق داشتید. از سویی دیگر در صورتیکه این امکانات در یک روند درازمدت بصورت جزئی از ارتش لبنان درآمده و به موازات آن در ارتباط میان ایران و اسرائیل نیز تعدیلی ایجاد گردد، بدین قرار که علائق امنیتی ایران نیز مراعات شوند، این هم به سود لبنان خواهد بود و هم به سود حزب الله.

**- علائم زیادی که موجب تقویت این امر باشند، وجود ندارند. همین چند روز پیش روزنامه اسرائیلی هآرتص پیش بینی تهاجم جدید اسرائیل به لبنان را**

## **کرده است. آیا این موجب رو در روئی مستقیم اسرائیل با سازمان ملل نخواهد گشت؟**

- البته! عملیات اخیر قوای اسرائیل در یکی از مناطق جنوب لبنان که بلافاصله پس از برقراری آتش بس صورت گرفت، در واقع زیر پا نهادن مفاد قطعنامه 1701 سازمان ملل بود و به نظر من پیش بینی شما را تأیید کرد که امکان حمله مستقیم اسرائیل وجود دارد. این بستگی دارد بدان که حزب الله در مقابل یک چنین تحریکاتی چگونه عمل کند. در مقابل آن عملیات حزب اله هوشیاری بخرج داد و از اقدامات متقابل صرف نظر نمود. باید امیدوار بود که میان حزب الله، ارتش لبنان و نیروهای سازمان ملل که واقعا بی طرفی را حفظ نموده و هم از شمال اسرائیل و هم از جنوب لبنان محافظت بعمل آورد، همکاری و تعامل صورت گیرد.

مصاحبه کننده: لوتس هردن Lutz Herden